



## تدوین الگوی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه های علوم پزشکی استان سمنان

فریبا ذوالفقاری<sup>۱</sup>، لادن سلیمی<sup>۲\*</sup>، عصمت رسولی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۴

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر، تدوین الگوی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه‌های علوم پزشکی استان سمنان بوده است. مطالعه کاربردی از نوع آمیخته بود. انتخاب مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به شیوه گلوله برفی (زنجیره‌ای) و معیار اشباع نظری بود که تعداد ۲۰ نفر از صاحب نظران مقوله آموزش پزشکی و برنامه‌ریزی درسی شهر سمنان انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته فردی استفاده شده است. داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شدند. بعد از طراحی اولیه الگوی مفهومی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو برای اعتبارسنجی الگو، از دیدگاه‌های ۱۸ نفر از متخصصان آموزش پزشکی شهر سمنان استفاده شد. که در این مرحله از، پرسشنامه محقق ساخته برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو ۷۰ سوال و ۴ بعد «هدف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی» و هر بعد نیز دارای سه مولفه «دانش، نگرش و مهارت»، با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده است. روایی پرسشنامه محقق ساخته به تایید چند نفر از خبرگان این رشته رسید و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت که به ترتیب با ضرایب ۰/۹۵ و ۰/۹۷ تأیید شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مولفه‌های هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی در تبیین الگوی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو، موثر هستند.

**واژگان کلیدی:** برنامه درسی چند فرهنگی، آرای فوکو، دانشگاه علوم پزشکی

۱- دانشجوی دکتری، گروه برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

faribazolfaghari@gmail.com

۲- استادیار، گروه برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

S.ladan@yahoo.com\* (نویسنده مسئول)

۳- استادیار، گروه برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

esmatrasoli@yahoo.com

## ۱. مقدمه:

امروزه یکی از موضوعات مورد توجه اندیشمندان تعلیم و تربیت، تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی در گستره جهانی و محلی، و ظهور پدیده چند فرهنگی است که منجر به بروز مباحث سیاسی و اجتماعی در مورد ماهیت، ابعاد و ویژگی‌های چند فرهنگ‌گرایی به عنوان یک الگو و مدل برای جوامع شده است. (عبدلی سلطان احمدی و صادقی، ۱۳۹۴) جامعه ایرانی نیز، از لحاظ تاریخی دارای بافتی چندقومی - فرهنگی، زبانی و مذهبی بوده است (تقی لو، ۱۳۹۲)

فرهنگ، بر جنبه‌های زیادی از زندگی به ویژه شیوه‌های ارتباطی تاثیر می‌گذارد. (آتهی و ویلیامز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵) و می‌تواند به عنوان عاملی تاثیرگذار، تسهیل‌گر یا مانع در مسیر ارتباط بین استادان و دانشجویان یا پزشک و بیمار عمل کند. (موسوی بزاز، ذبیحی زوزولی، کریمی مونقی، ۱۳۹۳) بی‌تردید فرهنگ، در شکل دادن رفتارها، باورها و ارزش‌های سلامتی فرد نیز نقش مهم و بزرگی دارد. (بتنسکورت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). نا آگاهی و بی‌توجهی به این مقوله بسیار حیاتی، می‌تواند تحقق تمامی اهداف مورد نظر در حوزه نظام سلامت را به مخاطره بیندازد. همین امر و عوامل دیگری از جمله پیچیدگی روزافزون مراقبت سلامت، تفاوت‌های فرهنگی اساسی میان افراد انسانی، تغییرات سریع در ترکیب جمعیت‌ها، مهاجرت‌ها، افزایش سالمندی و بیماری‌های مزمن و صدها عامل دیگر، ضریب آسیب‌پذیری بیماران را از

لحاظ روان‌شناختی افزایش می‌دهد و لزوم داشتن دانش و آگاهی فرهنگی مناسب را برای کارکنان رشته‌های پزشکی ضروری می‌سازد. (برک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷)

در واقع برای حوزه‌های علوم پزشکی، توجه به مساله تنوع فرهنگی، بسیار حائز اهمیت است. زیرا از یک‌سو پیوندهای فرهنگی و توانمند نمودن دانشجویان در زمینه احترام به تنوع فرهنگی از مسائل مهم محسوب می‌شود و این مساله نه تنها زمینه کسب تجربیات سازنده را برای دانشجویان مزبور فراهم می‌نماید، بلکه در عین حال در موفقیت تحصیلی و انتخاب شغل ایشان نیز مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر، این تنوع فرهنگی، ضرورت تربیت استادان توانمند برای رسیدگی مؤثر مسائل فرهنگی، برجسته و محسوس می‌سازد، بنابراین به نظر می‌رسد که احراز صلاحیت فرهنگی و تبدیل شدن به یک عامل پزشکی چندفرهنگی، می‌تواند روش مناسب برای تنوع قومیت و فرهنگی موجود در کشور باشد (موسوی بزاز، ذبیحی زوزولی و کریمی مونقی، ۱۳۹۳).

ماموریت برنامه درسی چندفرهنگی، نهادینه کردن فلسفه کثرت‌گرایی فرهنگی در نظام پزشکی است که باید بر پایه احترام، پذیرش، تفاهم و تعهد اخلاقی متقابل استوار باشد. (سبحانی نژاد، احمدآبادی آرانی و عبدالله یار، ۱۳۹۸) در این رابطه میشل فوکو یکی از فیلسوفان شاخص و برجسته برنامه درسی چندفرهنگی است که خود را در پذیرش تنوع،

1. Athey & Williams

2. Betancourt

3. Burke

بنابراین محتوا به طور ساده صرفاً آنچه که در دانشگاه ارائه می‌گردد نیست. (مارشال<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲) به نظر فوکو در تدریس باید از تاثیر نامرئی، ناملموس و پنهان ایده‌های واقعی آگاه بود. او بر آن است که تدریس باید در راستای تحول آفرینی و مرتبط کردن موضوعات مختلف درسی با مسائل وسیع تر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و پزشکی حرکت کند. (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸)

### پیشینه تحقیق:

۱- دوینینگرام و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «شایستگی بین فرهنگی در آموزش چند فرهنگی در دبیرستان های اندونزی و نیوزلند» عنوان کردند که شایستگی بین فرهنگی دانش آموزان اندونزیایی و نیوزلندی کاملاً مشابه یکدیگر است، حتی اگر شیوه‌های آموزش چندفرهنگی در این کشورها متفاوت باشد. این تفاوت‌ها به دلیل تنوع اجتماعی و فرهنگی بالاتری است که دانش آموزان اندونزیایی تجربه می‌کنند.

۲- اسلان و ابیک<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه ای با عنوان «آزمون اثربخشی آموزش چندفرهنگی مبتنی بر برنامه درسی میان رشته ای بر مدارا و مهارت تفکر انتقادی» بیان کردند که: تفاوت آماری معنی‌داری بین نمره‌های نمره‌گذاری تفکر انتقادی، نمره‌گذاری ارزش مدارا و نمرات پیش‌آزمون-پس‌آزمون مقیاس نگرش تحمل به نفع پس‌آزمون مشاهده شد که برنامه درسی میان

اختلافات و تکثرگرایی پیشرو می‌داند. (باقری، ۱۳۷۵) تکثرگرایی مورد نظر فوکو در تعلیم و تربیت، جنبه‌های مختلفی دارد. یک جنبه آن این است که تصور کردن مبانی و اصول و روش‌های ثابت، یکسان و مشابه برای تعلیم و تربیت بی-معناست. جنبه دیگر آن نفی هرگونه فرهنگ مسلط در کانون توجه تعلیم و تربیت است که از آن به عنوان «ضدیت با اقتدارگرایی» یاد می‌شود. از نظر فوکو، اساس تربیت باید مبتنی بر شیوه ای دموکراتیک، چندفرهنگی و غیراقتدارگرایانه باشد، به گونه‌ای که علائق اعضا و اجزای متعدد سازنده جامعه اعم از خرده فرهنگ ها، مورد توجه قرار بگیرند. (فرمهنی فراهانی، ۱۳۹۷) فوکو تعلیم و تربیت را بیشتر، امری شخصی، ویژه و محلی و موقعیتی می‌داند و معتقد است که در زمینه تعلیم و تربیت، لحن ترجمان برنامه‌های درسی و لحن استاد، باید متضمن چند آوایی باشد. (مهرمحمدی، نیک‌نام و سجادیه، ۱۳۸۷) در برنامه درسی چندفرهنگی مورد نظر فوکو، از نفی کلیت گرایی یا در کانون توجه قرار دادن فرهنگ مسلط به عنوان هدف یاد می‌شود. او در این مورد می‌گوید: «برای این که برنامه‌های تربیتی از آفت مطلق‌گرایی مصون باشند، نباید فرهنگ‌ها با همدیگر مقایسه شوند». (محمدی، محمدی و حسن پور، ۱۳۹۲) فوکو، محتوای درسی را «ابزار قدرت» می‌داند. بر این اساس، طراحی محتوا را یک فرآیند خنثی قلمداد نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، او معتقد است که دولت، نظام و نهادهای مختلف اجتماعی، امنیت خود را از تعلیم و تربیت وام گرفته‌اند و از طریق تعلیم و تربیت کار می‌کنند.

<sup>1</sup> Marshall

<sup>2</sup> Dwiningrum et al

<sup>3</sup> Aslan & Abyek

۵- پاترنوت<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی مسأله تنوع فرهنگی در برنامه‌های درسی آموزش پزشکی مورد مطالعه قرار دادند. هدف آنها بررسی میزان بازتاب مسأله تنوع فرهنگی در برنامه‌های آموزش پزشکی کشور هلند بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که توجه به تنوع فرهنگی و چگونگی مواجهه با آن، حلقه مفقوده‌ای در این برنامه‌ها است که پژوهشگران از اصطلاح نقاط کور برای توصیف آن استفاده می‌کنند.

۶- نقی زاده موعار و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی کیفی با عنوان «تعریف و سطوح شایستگی فرهنگی در دانش‌آموختگان علوم پزشکی» کیفی انجام دادند. در تعریفی که با استفاده از تحلیل نتایج مصاحبه‌ها و نیز با الهام از پیشینه پژوهش و جمع‌بندی نهایی جلسه کانونی استادان ارائه گردید، بیان شد که: دانش‌آموخته شایسته علوم پزشکی از حیث شایستگی فرهنگی، کسی است که توانایی تعامل مؤثر با افراد دارای فرهنگ‌های متفاوت (شامل بیمار، همراهان وی و همکاران) برای ارائه خدمات اثر بخش تر بهداشتی و درمانی را داشته باشد. بر این اساس شایستگی فرهنگی در ۳ سطح فردی (انسانی)، دانشگاهی (فارغ‌التحصیل دانشگاهی) و حرفه پزشکی (درک چند فرهنگی برای فارغ‌التحصیل دانشگاهی) طبقه‌بندی می‌شود.

۷- آذرخش و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی مولفه‌های برنامه‌درسی چند فرهنگی» از نظر متخصصان این حوزه در ایران

رشته‌ای که بر اساس آموزش چند فرهنگی تدوین شده است، مهارت‌های تفکر انتقادی، ارزش‌مدارا و نگرش دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد.

۳- کان‌پرا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، طی مطالعه‌ای با هدف تأثیر طبابت چندفرهنگی بر افزایش خود آگاهی در مورد تأثیرات فرهنگی بر پزشکان و افزایش آگاهی در مورد تأثیرات فرهنگی بر روی بیماران و بهبود ارتباطات چند فرهنگی در کار بالینی انجام دادند. گروه مورد نظر یک گروه از پزشکان خانواده بودند که به مدت سه سال در معرض یک برنامه آموزشی (جلسات آموزشی، بالینی، و پروژه‌های پزشکی اجتماعی) قرار داشتند. نتایج نشان داد که دانش، مهارت و نگرش گروه مورد آزمایش، در سه مؤلفه فوق، به مراتب بیشتر از گروه پزشکان سنتی بوده است.

۴- جین، لی و لیو<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، در مطالعه موردی چند ساله خود در چین، درصدد بررسی امکانات و راهبردهای استقرار آموزش چندفرهنگی در آن کشور بودند. ضمن این‌که این پژوهش به بررسی دلیل عدم توجه به آموزش چند فرهنگی پرداخت، یافته‌های آن نشان داد که با توجه به مطرح شدن ایده "وحدت بدون همسانی" و فضای کثرت‌گرایی در جهان، امکان پیاده کردن رویکرد چندفرهنگی در این کشور نیز وجود دارد. این کار از طریق سیاست‌گذاری‌های هماهنگ با ارزش‌های جامعه و سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر چند فرهنگی صورت می‌گیرد.

<sup>1</sup> Culhane-pera

<sup>2</sup> Jin,li and Leo

<sup>3</sup> Paternotte et al

چندفرهنگی برای ارائه بهتر و مطلوب‌تر خدمات، یاد بگیرند.

۹- موسوی بزاز، ذبیحی زوزولی و کریمی مونی (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «صلاحیت بین فرهنگی، ضرورتی ناشناخته در آموزش علوم پزشکی» انجام دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که با توجه به این که متغیرهای فرهنگی در کشور ما متأثر از عوامل گوناگونی است، ضروری است که این پدیده در شرایط فرهنگی ما بررسی شود. همچنین در زمینه راهکارهای آموزشی و سنجش آن در استادان و دانشجویان، برنامه ریزی جامعی صورت بگیرد.

به نظر می‌رسد در بسیاری از کشورهای دنیا، آموزش چندفرهنگی به‌عنوان عنصری مهم و اساسی برای تدوین برنامه‌های دروس پزشکی شناخته شده است. این رویکرد به‌عنوان یک «صلاحیت اصلی و هسته‌ای برای عملکرد پزشکی» در برنامه‌های درسی لحاظ شده است. اما پژوهشگران معتقدند که با وجود جایگاه خاص و مهم این رویکرد در سطح جهانی در حوزه آموزش علوم پزشکی، متأسفانه در کشور ما از آن غفلت شده است و این امر ناشی از ناشناخته بودن ابعاد و جنبه‌های مختلف آن است. (لامیانی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸)

سه دلیل عمده را برای این غفلت از اجرای آموزش‌های چندفرهنگی در برنامه دروس پزشکی ذکر می‌کنند:

بیان کردند با توجه به این که در مطالعات مرتبط با حوزه چند فرهنگی ساختاری منسجم و واحد از مولفه‌ها و مضامین که بتواند در تمامی پژوهش‌های این حوزه به کار گرفته شود، در دست نیست، تعیین مولفه‌های اصلی و مورد تایید و تاکید صاحب‌نظران این حوزه حائز اهمیت است. بنابراین با مرور و تدوین مولفه‌های بازیگر در مطالعات مختلف و متون مرتبط با مطالعات چند فرهنگی در پژوهش حاضر، تلاش کردند که مولفه‌های اساسی و بومی که بتواند به‌عنوان «مولفه‌های اصلی مطالعات برنامه درسی چند فرهنگی» مورد استفاده قرار گیرد، شناسایی و معرفی شود.

۸- عبدلی سلطان احمدی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با تمرکز بر دانشگاه‌های علوم پزشکی شمال غرب کشور، درصدد «بررسی میزان توجه به رویکرد آموزش چندفرهنگی در محتوای برنامه‌های درسی علوم پزشکی» بود. این پژوهش پیمایشی به بررسی دیدگاه‌های ۱۵ نفر از استادان این دانشگاه‌ها پرداخت. یافته‌های آن نشان داد که میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش چند فرهنگی، ناکافی و نامطلوب بوده است. برای ارائه مراقبت‌های پزشکی مؤثر به بیماران با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت، ضروری است که با ایجاد تغییرات قابل توجه در محتوای برنامه‌های درسی، توجه شایسته‌ای به آموزش‌های مرتبط با این رویکرد مبذول گردد. تا کارکنان رشته‌های پزشکی، دانش، نگرش و مهارت‌های ضروری و شایسته را برای تبدیل شدن به عامل پزشکی فرافرهنگی و عمل مسئولانه در جامعه

<sup>1</sup> Lamiani

تدوین الگوی برنامه درسی چندفرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه‌های علوم پزشکی استان سمنان هستیم. سوالات زیر به عنوان سوالات پژوهش در نظر گرفته شده‌اند:

۱. الگوی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه‌های علوم پزشکی چگونه است؟

۲. اعتبار الگوی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه‌های علوم پزشکی از نظر متخصصان برنامه ریزی درسی تا چه میزان است؟

## ۲. روش پژوهش:

این پژوهش، با هدف تدوین الگوی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام شد. متناسب با اهداف این پژوهش، مطالعه آمیخته، از نوع کاربردی استفاده شده است. برای تعیین ویژگی‌های عناصر و طراحی الگو، داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته فردی با صاحب نظران مقوله آموزش پزشکی و برنامه ریزی درسی شهر سمنان و مرور نظام مند مبانی نظری و منابع علمی از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ میلادی در پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شده است. از نمونه‌گیری هدفمند، به شیوه گلوله برفی (زنجیره‌ای) استفاده شده است. با تعداد ۲۰ نفر از صاحب نظران و متخصصان محقق به اشباع داده‌ها رسید. بعد از طراحی اولیه الگوی مفهومی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو برای اعتبارسنجی الگو، از دیدگاه‌های متخصصان آموزش پزشکی

(الف) عدم آمادگی و تجربه کافی و نیر فقر آگاهی و دانش پایه مورد نیاز از سوی مدرسان رشته‌های پزشکی

(ب) عدم طراحی محتوای دروس در راستای آموزش دغدغه‌های مربوط به این رویکرد

(پ) سیطره الگوی تک فرهنگی و هدایت شدن فرایند طراحی برنامه‌های آموزشی توسط گروهی خاص و مقاومت آنها، تاثیراتی که بعد مکانی یا محل قرار گرفتن این دانشکده‌ها می‌توانند بر چگونگی این نوع آموزش‌ها داشته باشند. (وووست<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹)

با توجه به مباحث یاد شده و با توجه به این‌که آرمان‌ها، ارزش‌ها، مذهب، سیاست و فرهنگ جامعه تأثیر زیادی بر شکل‌گیری آنها دارد و درعین حال تاکنون مطالعه‌ای که به بررسی جایگاه آموزش‌های چندفرهنگی در برنامه‌های آموزشی و درسی پزشکی در ایران انجام شده باشد از سوی محقق یافت نشد، مطالعه حاضر درصدد آن است که به تدوین هدف‌ها و شاخص‌های محتوایی و ارزشیابی برنامه‌های درسی علوم پزشکی از لحاظ توجه به آموزه‌های آموزش چند فرهنگی (به‌عنوان ضرورتی ناشناخته) از دیدگاه اعضای هیات علمی بپردازد. تا از این رهگذر بینش و اطلاعات لازم برای اندازه‌گیری برآیندهای برنامه‌های آموزشی و درسی و میزان کارآمدی آنها از جنس توجه به جایگاه این رویکرد به دست آمده و در صورت نیاز، راهکارهایی برای ایجاد تغییرات لازم در برنامه‌ریزی دروس پزشکی صورت پذیرد. بنابراین در این پژوهش، به دنبال

<sup>1</sup> Wuest

(۱-۱/۹۹) است، قرار گرفت. در این پژوهش، ملاحظات اخلاقی در مصاحبه (جلب رضایت آگاهانه، توضیح قبل از شروع هر مصاحبه در مورد اهداف پژوهش، علت ضبط مصاحبه، محرمانه بودن هویت اشخاص مصاحبه شونده، حق مطالبه نوار و متن پیاده شده آن) و تکمیل پرسشنامه رعایت شده است.

### ۳. یافته های پژوهش:

در این تحقیق، تمامی مصاحبه ها ضبط شدند و فایل صوتی کاملاً پیاده شد. در مصاحبه های آخر اشباع نظری حاصل شد. تحلیل داده های حاصل از نمونه ها به صورت گام به گام و پس از یافتن هر مصاحبه انجام گرفت. بعد از انجام مصاحبه، نسخه نوشتاری آن تایپ و پس از مفهوم پردازی در هر مصاحبه، به تدریج ابعاد، مولفه ها و زیرمولفه های آن ها در قالب کدگذاری های باز، محوری و انتخابی استخراج شدند.

از ۲۰ نفر مشارکت کننده در مصاحبه مرحله اول شامل ۱۵ نفر مرد و ۵ نفر زن بودند. ۳۵/۳۲ درصد مشارکت کنندگان در مرتبه ی دانشجویی، ۱۳/۳۵ درصد استادیار و ۵۱/۳۳ درصد استاد بودند. بیشترین میزان سابقه آموزشی مشارکت کنندگان بین ۱۰ تا ۲۰ سال (۵۳ درصد) بوده است. در مرحله اعتبارسنجی الگو، از ۱۸ شرکت کننده در مصاحبه، ۱۲ نفر مرد و ۶ نفر زن بودند. ۳۰/۳۵ درصد استادیار، ۴۳/۵۷ درصد دانشیار و ۲۶/۰۸ درصد استاد بودند.

شهرسمنان استفاده شد. در این مرحله، علاوه بر مصاحبه، از پرسشنامه نیز استفاده شد. حجم نمونه در این مرحله ۱۸ نفر بود. برای این کار، ابتدا الگوی پیشنهادی برای مطالعه در اختیار این افراد قرار گرفت. سپس محقق بعد از چند روز از طریق تماس تلفنی با این افراد جهت انجام مصاحبه حضوری، هماهنگی به عمل آورد. در جلسه مصاحبه، از شیوه مصاحبه نیمه ساختاریافته، همراه با پرسشنامه محقق ساخته دارای ۷۰ سوال و ۴ بعد «هدف با ۲۴ سوال، محتوا با ۱۶ سوال، راهبردهای یاددهی-یادگیری با ۱۸ سوال و ارزشیابی با ۱۲ سوال» و هر بعد نیز دارای سه مولفه «دانش، نگرش و مهارت» است که در طیف ۵ گزینه ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد)، برای بررسی دیدگاه و دیدگاه های متخصصان در ارتباط با الگو استفاده شد. روایی پرسشنامه محقق ساخته به تایید نظر چند نفر از خبرگان رسید و پایایی آن به وسیله آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی شد که به ترتیب با ضرایب ۰/۹۷ و ۰/۹۵ مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه با متخصصان به روش تحلیل محتوای موضوعی انجام گرفت. از آمار توصیفی برای تجزیه و تحلیل داده های سؤالات پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای تعیین میزان مطلوبیت هر سؤال، امتیاز مربوط به هر سؤال را بر اساس مقیاس نانلی (۱۹۶۷)، در یک طیف چهار دامنه که دارای چهار ارزش: مطلوب (۴-۵)، نسبتاً مطلوب (۳-۳/۹۹)، نسبتاً مطلوب (۲-۲/۹۹) و نامطلوب

بیشترین میزان سابقه‌ی آموزشی در این مرحله

بین ۲۰ تا ۳۰ سال (۵۲/۶۷ درصد) بوده است.

جدول ۱- فرآیند کدگذاری عناصر برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه های علوم پزشکی استان سمنان بر اساس مصاحبه ها:

سوال پژوهش	کد گزینشی	کد محوری	کد باز
چارچوب پیشنهادی	هدف	دانش	- آشناکردن دانشجویان با پیشینه فرهنگ و تمدن خود - تربیت مبتنی بر شیوه دموکراتیک و غیر اقتدارگرایانه - معرفی فرهنگ‌های مختلف به دانشجویان - عدم تصور بنیادهای ثابت و جهانی و قابل تعمیم
		نگرش	- احساس امنیت ناشی از پذیرش - زمینه سازی حرکت دانشجویان در راستای رهایی بخشی
		مهارت	- مقاومت و ایستادگی در برابر قدرت - پرورش قوه قضاوت صحیح و روحیه علمی در دانشجویان - توانمندسازی فردی برای اصلاح اجتماعی - توانمند ساختن فرهنگ دانشگاه و ساختارهای اجتماعی آن - قادر ساختن دانشجویان در شناخت ارزش‌های بومی
برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه های علوم پزشکی استان سمنان چگونه است؟	محتوا	دانش	- معرفی فرهنگ‌های مختلف به دانشجویان در محتوای کتب درسی - آگاه‌سازی دانشجویان از وجود سایر فرهنگ‌ها، جوامع و شیوه‌های زندگی
		نگرش	- محدود نبودن به فعالیت‌های درون دانشگاهی - توجه به مفهوم صلح و دوستی در محتوای کتب درسی - پیروی از سازمان‌دهی تلفیقی - ایجاد زمینه درک متقابل از سیر تحول فرهنگ‌های مختلف - تأکید بر موضوعات درسی چندرشته‌ای و تلفیقی
		مهارت	- انعکاس دهنده نیازها و علایق فرهنگی و زبانی تمامی دانشجویان - آموزش مسائل اجتماعی- فرهنگی در ارتباط با هم
راهنمادهای یادگیری	راهبردهای یادگیری	دانش	- تدریس مبتنی بر دانشجو محوری - فرصت به دانشجویان برای افزایش ظرفیت انتقادی - آگاهی از خطر تعارض‌های تهدیدکننده حقوق انسانی - تدریس در راستای تحول آفرینی
		نگرش	- افزایش مهارت‌های تعاملی دانشجویان - رشد و پرورش مهارت های تفکر در دانشجویان
		مهارت	- توانمندی استفاده از روش حل مساله در برخورد با چالش‌های زندگی - گفت‌وگو مبتنی بر نظام قدرت - استفاده از روش تدریس سقراطی که اساس آن مبتنی بر مذاکره و بحث و گفتگو است.
ارزشیابی	ارزشیابی	دانش	- استفاده از نظر معلم به عنوان روشنفکر منتقد - تنوع در روش‌های ارزشیابی در آموزش و پرورش چندفرهنگی
		نگرش	- همه بینی یا بیرونی بودن - توجه به ارزشیابی درونی و خودارزشیابی - علمی بودن ارزشیابی
		مهارت	- ارزشیابی فرآیند یادگیری - بهره جستن از روش کیفی ارزشیابی



**برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه علوم پزشکی  
استان سمنان**

مهارت	نگرش	دانش
<ul style="list-style-type: none"> <li>• مقاومت و ایستادگی در برابر قدرت</li> <li>• پرورش قوه قضاوت صحیح و روحیه علمی در دانشجویان</li> <li>• توانمند سازی فردی برای اصلاح اجتماعی</li> <li>• توانمند ساختن فرهنگ دانشگاه و ساختار اجتماعی آن</li> <li>• قادر ساختن دانشجویان در شناخت ارزش های بومی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• احساس امنیت کردن ناشی از پذیرش</li> <li>• زمینه سازی حرکت دانشجویان در راستای رهایی بخشی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آشنا کردن دانشجویان با پیشینه فرهنگ و تمدن خود</li> <li>• تربیت مبتنی بر شیوه دموکراتیک و غیر اقتدارگرایانه</li> <li>• معرفی فرهنگ های مختلف به دانشجویان</li> <li>• عدم تمور بنیادهای ثابت و جهانی و قابل هم</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• انعکاس دهنده نیازها و علایق فرهنگی و زبانی</li> <li>• تعامی دانشجویان</li> <li>• آموزش مسائل اجتماعی- فرهنگی در ارتباط با هم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• محدود نبودن به فعالیت های درون دانشگاهی</li> <li>• توجه به مفهوم صلح و دوستی در محتوای کتب درسی</li> <li>• پیروی از سازمان دهی تلفیقی</li> <li>• ایجاد زمینه درک متقابل از سیر تحول فرهنگ های مختلف</li> <li>• تأکید بر موضوعات درسی چند رشته ای و تلفیقی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• معرفی فرهنگ های مختلف به دانشجویان در</li> <li>• محتوای کتب درسی</li> <li>• آگاه سازی دانشجویان از وجود سایر فرهنگ ها</li> <li>• جوامع و شیوه های زندگی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• توانمندی استفاده از روش حل مسأله در برخورد با</li> <li>• چالش های زندگی</li> <li>• گفتمان مبتنی بر نظام قدرت</li> <li>• استفاده از روش تدریس سرفرازی که اساس آن مبتنی بر</li> <li>• مذاکره و بحث و گفتگو است</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• افزایش مهارت های تعاملی دانشجویان</li> <li>• رشد و پرورش مهارت های تفکر در دانشجویان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تدریس مبتنی بر دانشجو محوری</li> <li>• فرصت به دانشجویان برای افزایش ظرفیت انتقادی</li> <li>• آگاهی از خطر تعارض های تهدید کننده ی حقوق انسانی</li> <li>• تدریس در راستای تحول آفرینی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارزشیابی فرآیند یادگیری</li> <li>• بهره جستن از روش کیفی ارزشیابی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• همه بینی یا بیرونی بودن</li> <li>• توجه به ارزیابی درونی و خود ارزشیابی</li> <li>• عملی بودن ارزشیابی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• استفاده از نظر معلم به عنوان روشنگر منتقد</li> <li>• تنوع در روش های ارزشیابی در آموزش و پرورش</li> <li>• چند فرهنگی</li> </ul>

شکل ۱- الگوی طراحی برنامه درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان:

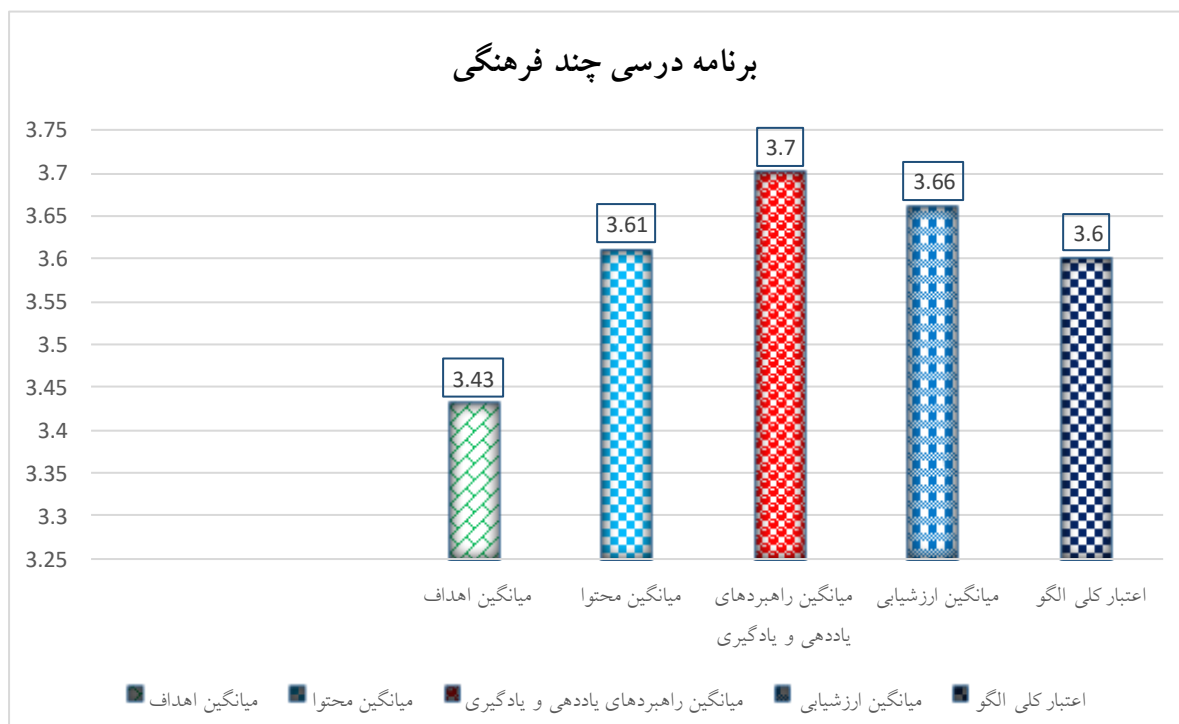
سازگاری درونی بین مؤلفه ها را دارد و در کل الگوی مناسبی است.

بالاترین میزان میانگین در مقایسه میانگین های ابعاد برنامه درسی چند فرهنگی به بعد راهبردهای یاددهی و یادگیری با مقدار ۳,۷۰، و پایین ترین مقدار هم به بعد اهداف با مقدار میانگین ۳,۴۳ است. در مقایسه میانگین های داده شده ابعاد دیگر در رتبه های میانی قرار دارند.

در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، جهت اعتباریابی الگو، نظر ۱۸ نفر از متخصصان آموزش پزشکی شهرسمنان با استفاده از یک پرسشنامه بسته و باز پاسخ مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن در نمودار ۱ نشان داده شده است. بر اساس داده های مندرج در نمودار ۱ و نیز پاسخ پرسش های باز در خصوص ابعاد الگوی پیشنهادی می توان گفت که:

۱. هدف، محتوا، شیوه های تدریس و روش های ارزشیابی در حد زیادی مناسب ارزیابی شده است.

۲. متخصصان آموزش پزشکی در حد زیادی اعلام کرده اند که الگوی پیشنهادی، همخوانی و



نمودار ۱- وضعیت ارزیابی هر یک از عناصر برنامه‌ی درسی الگوی پیشنهادی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران:

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری:

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر که ارائه دهنده عناصر لازم برای تدوین الگوی برنامه‌ی درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه‌های علوم پزشکی است، نشان می‌دهد که چندفرهنگی دارای مفهومی بسیار وسیع و متنوع است و تدوین آن نیازمند توجه به عناصر و مؤلفه‌های بسیاری است. با تلخیص داده‌ها، مضامین مشابه و تکراری در متن‌های موردنظر که با موضوع پژوهش مرتبط بودند، با یکدیگر تلفیق شدند و در نهایت، مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی چند فرهنگی مبتنی بر آرای فوکو در دانشگاه‌های علوم پزشکی در قالب چهار عنصر برنامه‌ی درسی (اهداف، محتوا،

راهبردهای یاددهی-یادگیری، ارزشیابی) پیاده

سازی و شناسایی شدند.

در این راستا براساس نتایج حاصل از پرسشنامه برنامه‌ی درسی چند فرهنگی مشخص شد که بعد هدف این پرسشنامه، مشتمل بر ۳ زیر مؤلفه دانش، نگرش و مهارت است که مؤلفه‌هایی نظیر "آموزش مهارت‌های زندگی چند فرهنگی به افراد"، "توانمند ساختن دانش‌آموزان در شناخت ارزش‌های بومی"، "توانمندسازی فردی برای اصلاح اجتماعی"، "ارتباط عرضی و افقی بین معلم و دانش‌آموز"، "احساس مسئولیت در قبال یکدیگر" و "شکستن حدود فرهنگی و فراتر رفتن از آن" دارای بالاترین اهمیت در این بعد بودند. این نتایج با نتایج تحقیقات رایینسون و

که از مصادیق پاسداشت فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و اقلیت‌ها به عنوان بخشی از دانش محتوایی برنامه‌های درسی است، هم‌راستا است. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق رابینسون و ویلیامز (۲۰۲۰)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۷)، تی وای و هون (۲۰۲۰)، زلیاکوس (۲۰۱۷) و عراقیه و همکاران (۱۳۸۸) از لحاظ محتوای ترکیبی و یکپارچه، و چگونگی خلق محتوای غیر تعصبی، عدالت محوری و برابری آموزشی و پرداختن به حقوق اقلیت‌های دینی و قومی به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های موثر در آموزش چند فرهنگی همسو است.

بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه برنامه درسی چند فرهنگی، بعد راهبردهای یاددهی - یادگیری، دارای سه مولفه دانش، نگرش و مهارت است. این بعد با برخورداری از بالاترین میزان میانگین در بین ابعاد دیگر به دست آمد، که در میان زیر مولفه‌های آن، زیر مولفه دانش، با بالاترین ضریب استاندارد نسبت به مولفه‌های دیگر در صدر قرار داشت. توجه به مسائلی نظیر تدریس مبتنی بر دانشجو محوری، فرصت دادن به دانشجویان برای افزایش ظرفیت انتقادی، اتخاذ تنوع در روش‌های آموزش و تدریس و آگاهی یافتن از فواید تفاوت‌ها برای پیشرفت فردی و اجتماعی جزو مهم‌ترین زیر مولفه‌های این بخش بودند که با یافته‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۵) و عبدلی و همکاران (۱۳۹۴) از حیث ایجاد تنوع و طراحی‌های جدید هم‌راستا است. از لحاظ ایجاد دید انتقادی و سبک‌های یادگیری، توجه به نیازها و افزایش مهارت‌های تعاملی و تفکری

ویلیامز (۲۰۲۰) و تی وای و هون (۲۰۲۰) از حیث اهمیت به وجوه فرهنگی هم‌راستا است. همچنین، از لحاظ توجه به ارتباط بین استاد و دانشجو و تقویت ارتباطات فرهنگی، توجه به آموزش‌های گروهی چند فرهنگی، لزوم توجه به اهداف غیر قومیتی نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات سبحانی نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، مصطفی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، سلا-شایوویتز و فینکلشتاین (۲۰۲۰)، سیوارد (۲۰۱۹) هم‌راستا است. با این باور که آموزش چند فرهنگی به عنوان یک مفهوم جامع، در بردارنده دامنه وسیع و متنوعی از فعالیت‌ها و موضوعات برنامه ریزی شده است که به دانشجویانی که به گروه‌های مختلف قومی، نژادی و فرهنگی تعلق دارند، فرصت‌های لازم را برای شناخت و تجربه عدالت و برابری آموزشی اعطا می‌کند.

در میان ابعاد مختلف مربوط به پرسشنامه برنامه درسی چند فرهنگی، بعد محتوا با سه زیر مولفه: دانش، نگرش و مهارت، مولفه دانش، دارای بالاترین میانگین بود. زیر مولفه‌هایی نظیر "معرفی فرهنگ‌های مختلف به دانش‌آموزان در محتوای کتب درسی"، "توجه به مفهوم صلح و دوستی در محتوای کتب درسی" و توجه به آموزش زبان‌های قومی و محلی در محتوای کتب درسی" از لحاظ ارتقای سطح دانش، اهمیت بیشتری داشتند. از این منظر و در راستای ارتقا سطح دانش، به عنوان یکی از مولفه‌های زیر مجموعه بعد محتوا، نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات مصطفی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) از حیث توجه به اقلیت‌ها و دوری از تبعیض نژادی

دانشگاه در زمینه راهبردهای یاددهی-یادگیری برنامه درسی چند فرهنگی برگزار گردد.

- درک درستی از عدالت در میان اعضای هیات علمی و کارکنان و به تبع آن، جامعه افزایش یابد.

- فرصت‌های برابر برای افراد جامعه و دانشجویان و دانشگاهیان، برای بهره‌مندی از خدمات مرتبط تأمین گردد.

دانشجویان، تحقیق حاضر با تحقیقات سیوارد (۲۰۱۹) در قالب افزایش مهارت‌های تسهیل‌گفتگوی فرهنگی و پرچامورانکا (۲۰۱۸) از باب توجه به سبک‌های فردی افراد و افزایش مهارت‌ها و تحقیق زانتی و همکاران (۲۰۱۴) همسو است.

همچنین مشخص شد که مولفه‌های مربوط به ارزشیابی یعنی دانش، مهارت و نگرش تأثیری مثبت بر برنامه درسی چند فرهنگی دارند. نتایج حاصل با نتایج صادقی (۱۳۸۹) از حیث توجه به تنوع در روش‌های ارزشیابی در آموزش و پرورش چندفرهنگی، استفاده از نظر استاد به عنوان روشنفکر منتقد، مورد استفاده قرار نتایج ارزشیابی برای اصلاح و بهسازی مداوم و مستمر برنامه درسی، ثبت نقطه نظرات همه افراد موثر در برنامه درسی و به‌کارگیری آزمون‌های عملکردی در امور مربوط به فرهنگ و هنر هم‌راستا است.

### پیشنادهای تحقیق:

با توجه به این نتایج تحقیق، پیشنهادهای ذیل می‌تواند در راستای توسعه و تحقق اهداف پژوهش نقش مؤثر و کاربردی داشته باشند:

- برنامه‌ریزی‌های لازم برای تحقق مؤلفه‌ها و کارکردهای اهداف شناسایی شده برنامه درسی چند فرهنگی در دانشگاه انجام گیرد.

- نیازهای واقعی جامعه و دانشگاه و پاسخگویی متناسب با نیازها تعیین گردد.

- سیاست‌های کلان یا دانشگاهی تحلیل و اقدام متناسب بر اساس نتایج تحلیل‌گری انجام شود.

- دوره‌های آموزشی جهت ارتقای سطح توانمندی‌ها و مهارت‌های تخصصی مدیران

## منابع و مآخذ:

- ۱- آذرخش، منوچهر؛ معروفی، یحیی و صادقی، علیرضا. (۱۳۹۸). بررسی مولفه های برنامه درسی چند فرهنگی از نظر متخصصین این حوزه در ایران. پژوهش های برنامه ریزی درسی و آموزشی. ۹ (۲)، ۱-۲۴.
- ۲- باقری، خسرو. (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در منظر پست مدرنیسم. مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱(۴)، ۸۳-۶۳.
- ۳- بوستانی، داریوش و محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). مقدمه ای بر ابعاد و گستره دستگاه نظری میشل فوکو، مجله علوم اجتماعی، ۶ (۱)، ۵۳-۹۹.
- ۴- نقی زاده موعاری، زهرا؛ عباس پور، عباس؛ غیاثی ندوشن، سعید؛ فیض، مهدی و کوهپایه زاده، جلیل. (۱۳۹۹). تعریف و سطوح شایستگی های فرهنگی در دانش آموختگان علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی، مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۳(۳)، ۲۷۶-۲۶۶.
- ۵- تقی لو، فرامرز. (۱۳۹۲). تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران معاصر. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱(۱۰)، ۹۸-۷۹.
- ۶- رحمانی، عذرا، فقیهی، علیرضا، حسینی مهر، علی و سرمدی، محمدرضا. (۱۳۹۷). اعتبار سنجی مولفه های آموزش چند فرهنگی برای طرح در برنامه درسی دوره ابتدایی. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی سال هفتم زمستان ۱۳۹۵ شماره ۴ (پیاپی ۲۸).
- ۷- سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن؛ احمدآبادی آرانی، نجمه و عبدالله، یار علی. (۱۳۹۸). دلالت های برنامه درسی چند فرهنگی میشل فوکو و هنری ژیرو بر اصلاح و باز طراحی برنامه درسی دوره ابتدایی ایران. پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی). ۱۶(۳۳).
- ۸- صادقی، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چند فرهنگی، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ۹- عراقیه، علیرضا؛ کورش فتحی و اجارگاه؛ احمد علی فروغی ابری و نعمت الله فاضلی. (۱۳۸۸). تلفیق راهبردی مناسب برای تدوین برنامه درسی چند فرهنگی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی ۲ (۱).
- ۱۰- عبدلی، سلطان؛ احمدی، جواد و صادقی، علیرضا. (۱۳۹۴). طراحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی چند فرهنگی برای دوره تعلیم و تربیت عمومی در ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۰(۳۹).
- ۱۱- عبدلی سلطان احمدی، جواد. (۱۳۹۵). بررسی میزان توجه به رویکرد آموزش چند فرهنگی در محتوای برنامه درسی علوم پزشکی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه های شمال غرب کشور مجله پزشکی ارومیه، ۱(۲۷).
- ۱۲- فرمینهی فراهانی، محسن. (۱۳۹۷). پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت. تهران: آبیز.

- 17-Aslan, S., & Aybek, B. (2020). Testing the Effectiveness of Interdisciplinary Curriculum-Based Multicultural Education on Tolerance and Critical Thinking Skill. *International Journal of Educational Methodology*, 6(1), 43-55.
- 18-Athey, J. & Moody-Williams, J. (2015). *Developing Cultural Competence in Disaster Mental Health Programs: Guiding Principles and Recommendations*. U.S. Department of Health and Human Services: Center for Mental Health Services.
- 19-Betancourt, J.R. (2016). Cultural competence and medical education: many names, many perspectives, one goal. *Acad Med.*; 81(6): 499-501.
- 20-Burke, P. (2017). *Cultural competency of associate degree nursing faculty*. (Dissertation). Minnesota: Capella University.
- 21-Culhane-Pera, K.A; Reif, C; Egli, E; Baker, N.J; & Kassekert, R. (2019). A curriculum for multicultural education in family medicine. *29(10):719-23*.
- 22-Dwiningrum, S. I. A., Hope, J., Kartowagiran, B., Sudartinah, T., Siteine, A., & Yao, Z. (2021). Cross-Cultural Competence in Multicultural Education in Indonesian and New Zealand High Schools. *International Journal of Instruction*, 14(3).
- 23-Jin, Y.L.; Li, L., & Luo, S.h. (2018). Chinese multi-cultural education: possibilities and paths. *International Journal of Educational Management*, 28(3).
- 24-Lamiani, G. (2018). Cultural competency in healthcare: learning across boundaries. *Patient Educ Couns*, 73(2): 396 – 7.
- 25-Marshall, J. D. (2012). Michel Foucault: Liberation, freedom, education. *Journal of Educational Philosophy and Theory*, 34(4): 413-418.
- 26-Paternotte, E.; Fokkema, J.; Loon, K.A.V.; Dulmen, S.V., & Scheele, F. (2018). Cultural diversity: blind spot in medical curriculum documents, a document analysis. *Medical Education*, 14:176.
- ۱۳-محمدی، آزاد؛ محمدی، صمد؛ حسن پور، راحله. (۱۳۹۲). دلالت‌های پساساختارگرایی در برنامه درسی چندفرهنگی با تأکید بر دیدگاه میشل فوکو، همایش ملی آموزش و پرورش چند فرهنگی.
- ۱۴-مصطفی‌زاده، اسماعیل؛ کشتی‌آرای، نرگس و قلی‌زاده، آذر. (۱۳۹۸). ضرورت‌های آموزش چندفرهنگی و واکاوی عناصر و مولفه‌های تعلیم و تربیت چندفرهنگی. دوره دوم، سال شانزدهم شماره ۳۳ (پیاپی ۶۰)
- ۱۵-مهرمحمدی، محمود؛ نیک‌نام، زهرا و سجادیه، نرگس. (۱۳۸۷). اشکال بازنمایی و شناخت در برنامه درسی: بازکاوی نظریه کثرت‌گرایی شناختی. فصلنامه ی تعلیم و تربیت، ۳(۲۴)، ۲۹-۹۵.
- ۱۶-موسوی بزاز، مجتبی؛ ذبیحی ززولی، عاطفه و کریمی مونقی، حسین. (۱۳۹۳). صلاحیت بین فرهنگی، ضرورتی ناشناخته در آموزش علوم پزشکی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۴(۲).

27-Preechaamornkul, T., Adipattaranan, N., Saengsin, N., & Nguenyuang, S. (2018). Development of an English Multicultural Curriculum to Promote Language Skills and Attitudes Among Maejo University Students, Chiang Mai, Thailand. *Veridian E-Journal, Silpakorn University (Humanities, Social Sciences and arts)*, 11(4), 47-60.

28-Robinson, C., & Williams, T. N. (2020). Multicultural Advising: Creating Supportive Academic Advising Spaces for All Students. In *Examining Social Change and Social Responsibility in Higher Education* (pp. 127-141). IGI Global.

29-Sela-Shayovitz, R., & Finkelstein, I. (2020). Self-Efficacy in Teaching Multicultural Students in Academia. *International Journal of Higher Education*, 9(1), 159-167.

30-Seward, D. X. (2019). Multicultural training resistances: Critical incidents for students of color. *Counselor Education and Supervision*, 58(1), 33-48.

31-T. Y., & Hoon, C. Y. (2020). Politics of multicultural education in Post-Suharto Indonesia: A study of the Chinese minority. *Compare: a journal of comparative and international education*, 50(1), 18-35.

32-Zanetti, M. L., Dinh, A., Hunter, L., Godkin, M. A., & Ferguson, W. (2014). A longitudinal study of multicultural curriculum in medical education. *International journal of medical education*, 5, 37.

33-Zilliacus, H., Holm, G., & Sahlström, F. (2017). Taking steps towards institutionalizing multicultural education—The national curriculum of Finland. *Multicultural Education Review*, 9(4), 231-248.

34-Wuest, J. (2019). Joining together: students and faculty learn about transcultural nursing. *J Nurs Educ* 31(2):90–2.